

بسمه تعالی



دانشکده علوم و فنون قرآن تهران

نگاهی به آراء مستشرقان پیرامون مسئله تحریف قرآن

استاد محترم: آقای دکتر ...

گردآورنده: هادی رحیم زاده

دانشجوی ارشد علوم قرآن

فهرست مطالب

۱. اتان کلبرگ.....	۳
واژگان و اصطلاحات مبهم و غیرقابل درک.....	۳
خاستگاه قرآن.....	۳
فقه اسلامی.....	۳
خلط بین قرآن و احادیث نبوی.....	۳
روایات جمع آوری قرآن.....	۴
شخصیتهای تأثیرگذار در تحریف قرآن.....	۴
شیعه امامیه و تحریف قرآن.....	۴
۲. تئودور نولدکه.....	۴
تحریف به حذف و اضافه.....	۴
اتهام تحریف به شیعه.....	۵
۳. رژی بلاشر.....	۶
ادعای حذف.....	۶
ادعای اضافه شدن.....	۷
قرائت به معنا.....	۷
جابه‌جایی، تبدیل و تکرار.....	۸
۴. وایل.....	۸
ادعای اضافه شدن.....	۸
۵. ادعای تحریف در دائره المعارف لایدن.....	۸
۱. حذف سوره‌های خلع و حقد از مصحف کنونی.....	۹
۲. حذف آیه رجم از مصحف فعلی.....	۹
۳. حذف آیاتی از سوره‌های احزاب، توبه و نور.....	۱۰
۴. گم شدن بخش‌هایی از قرآن در جنگ یمامه.....	۱۰
۶. طرفداران عدم تحریف.....	۱۰
منابع و مأخذ.....	۱۲

۱. اتان کلبِگ

اتان کلبِگ، مستشرق و شیعه‌شناس یهودی، وقوع تحریف در متون مقدس، از جمله قرآن را امری ضروری می‌شمارد. از دیدگاه او برخی آیات خود قرآن نیز این نکته را تأیید می‌کنند. تاریخچه قرآن و زمان کتابت کامل متن آن دلیل دیگر اوست. به نظر وی جهت‌گیری روایات برای اثبات کتابت قرآن در عصر ابوبکر برای فرار از مسأله تحریف قرآن است. کلبِگ با استناد به روایات و ابهام معنایی برخی از واژه‌گان قرآن درصدد اثبات جمع دیرهنگام و در نتیجه تحریف قرآن برآمده است. او اعتقاد شیعه امامیه به تحریف قرآن را تا عصر آل بویه می‌داند.

کلبِگ، مقدمه خود بر کتاب القراءات سیاری را با ضروری دانستن وقوع تحریف در متون مقدس آغاز می‌کند و دو دلیل به نقل از مانی برای زوال ادیان ذکر می‌کند: نخست آن که محدوده مأموریت و تبلیغ دین هر پیامبری وطن او و وسیله تبلیغی اش زبانش و زبان قوم اوست و این دلیل نابودی ادیان است. دوم آنکه کلبِگ در ادامه نقل قول از مانی، مکتوب نشدن تعالیم انبیاء در قالب یک کتاب را عامل تحریف تعالیم و ادیان آنها ذکر می‌کند.

واژگان و اصطلاحات مبهم و غیرقابل درک

به نظر کلبِگ واژگان و اصطلاحاتی در قرآن وجود دارد که نه تنها برای عالمان امروزی، بلکه برای پژوهشگران مسلمان قدیمی نیز مبهم و غیرقابل درک بود. تفاسیر و شروح بیشمار بر واژگان و عبارات قرآن اگر نگوییم حاکی از ندانستن محض است، جزیه نشانگر عدم قطعیت است. اصطلاحات یا عباراتی همچون، القارعة، سجیل، ابابیل، حروف مقطعه، الحنیف، الصمد و غیره از جمله این فهرستند. کلبِگ به نقل از مایکل کوک در بیان علت این عدم قطعیت تفسیری، دو پاسخ ارائه می‌دهد:

۱- یا مطالب قرآن، تا چندین دهه بعد از رحلت پیامبر در قالب یک کتاب مقدس دسترس نبود.

۲- یا بسیاری از آنچه در قرآن آمده است، در زمان پیامبر کهنه و قدیمی بود.

خاستگاه قرآن

کلبِگ با استناد به پژوهش ونزبرو می‌گوید خاستگاه قرآن نه اسلام و نه شبه جزیره عربستان است. اعراب بعد از فتوحات، محیط فرهنگی فرقه‌گرایی را در بین‌النهرین یافتند و به تدریج شروع به اتخاذ و پذیرش آن و نیز سازگار کردن آن با محیط خود کردند. آنان در چنین وضعیتی قرآن را از میان چندین نوع منبع در طی فرآیندی که در آن وعظ مردم پسند و قصه‌گویان نقش عمده‌ای داشتند، بوجود آوردند.

فقه اسلامی

کلبِگ به نقل از شاخ می‌گوید: از قرن دوم هجری به بعد فقه اسلامی به طور شگفت‌انگیزی غیر قرآنی و گهگاه کاملاً ضد قرآنی می‌شد. با پژوهش‌های انجام شده توسط محققان در مورد احکام ارث، احکام بیوه‌زنان، سنگسار کردن زناکاران، حکم زن مطلقه در طی دوران عدّه و... روشن می‌شود که احکام قرآنی یا احکامی که به حضرت محمد منتسب هستند، نادیده انگاشته شده و یا هرگز اعمال نشدند. شاید جمع‌آوری دیر هنگام قرآن و اعمال گسترده‌رأی، از جمله دلایل احتمالی این پدیده باشد.

خلط بین قرآن و احادیث نبوی

کلبِگ خلط بین قرآن و احادیث نبوی را نمونه‌ای از شک و شبهه‌آغازین بین این دو اصطلاح می‌داند. استناد وی به آخرین خطبه پیامبر یعنی خطبه حجه الوداع است که برخی عبارات آن به نظر او در قرآن یافت می‌شوند.

روایات جمع آوری قرآن

کلب‌رگ می‌گوید دلیل آنکه چرا روایات، اتخاذ تصمیم بر جمع آوری قرآن را در زمان ابوبکر یعنی درست پس از رحلت پیامبر و نیز تدوین مصحف رسمی را طی خلافت عثمان بیان می‌کنند، این است که هرچه کتابت کامل متن به زمان وحی، نزدیک تر باشد، احتمال خطر تحریف کمتر است. ضمناً روش جمع آوری قرآن که در روایات مذکور بیان شده، عادتاً مستلزم وقوع تحریف است.

شخصیتهای تأثیرگذار در تحریف قرآن

کلب‌رگ به نقل از دبیر می‌گوید: اندکی پس از پیامبر، اعراب که تجار زبردستی بودند و فاتحان بزرگی شده بودند، طی تنها چند سال، ثروت و قدرت عظیمی را گرد آوردند. در میان این رجال صاحب قدرت و ثروت، تعدادی در شخصیت خود، ویژگیهایی را جمع کرده بودند که با آنها می‌توانستند، نقش تعیین کننده‌ای را در تدوین و جمع نهایی قرآن ایفاء کنند. عبید الله بن زیاد نوه ابوسفیان تاجری ثروتمند و فاتحی قدرتمند بود. بنا به قول منشی وی، عبیدالله دو هزار حرف به مصحف افزود.

شیعه امامیه و تحریف قرآن

کلب‌رگ مطالعات قرآن پژوهان غربی درباره اصالت مصحف عثمانی از دیدگاه شیعه امامیه را به دو دسته تقسیم می‌کند: نخست پژوهشهایی که مصحف عثمانی را از منظر امامیه بی پایه و اساس معرفی می‌کند. دوم مطالعاتی که نشان می‌دهد امامیه در اصالت مصحف عثمانی شکی ندارد.

کلب‌رگ اظهار می‌دارد کتاب فصل الخطاب نوری طبرسی، روشنمندیترین تلاش و کوشش را به کار برده است تا نظریه تحریف مصحف عثمانی را اثبات کند. او ادامه می‌دهد که اگر بتوان کتاب سیاری را که نوری به طور گسترده مورد استفاده و استناد قرار داده کهن ترین تک نگاشتی دانست که اعتقاد امامیه به تحریف قرآن را تأیید می‌کند، کتاب نوری آخرین است.

۲. تئودور نولدکه

تحریف به حذف و اضافه

نولدکه معتقد است که عثمان نیز مثل ابوبکر به تحریف متهم است و چنین ادامه می‌دهد: گفته می‌شود همانا [عثمان] حذف کرد تمام مواضعی را که در زمان [حضرت] رسول وجود داشته و آن مواضع مخالف بنی امیه [که خویشاوندان عثمان بوده‌اند] و علیه آنها بوده است. لیکن وایل دلیلی بر صحت این گمان یا آنچه تفسیر می‌کند را به ما نشان نمی‌دهد. پس نمی‌دانم که آیا این ازاله مواضع بطور کامل بوده است یا فقط برای اسماء غلم مفرد. (یعنی معلوم نیست منظور وایل حذف کل عبارت بوده یا فقط حذف اسامی) [اما] تفاسیر به برخی از مواضع در نص کنونی اشاره دارد [که علیه بنی امیه است و حذف نشده است] مثل سوره حجرات، آیه ۶ که به پسر عموی عثمان، ولید بن عقبه، اشاره دارد. اما محو و پاک کردن اسماء مفرده فی حد ذاته وارد است.

سپس نولدکه می‌افزاید: به علت اینکه بنی امیه لاقلاً در اوایل رسالت در میان خاندان صاحب مقام مکه، دشمن ترین خانواده نسبت به حضرت نبودند، پس ما ناچاریم فرض کنیم که اسامی دیگر زیادی از دشمنان اسلام از قرآن حذف شده، به عنوان مثال از میان صنوف یهود و منافقین که حضرت کینه شدیدتری از آنها داشتند. اضافه می‌شود به آن اینکه از عادت حضرت نبوده که اسامی مردم را در محیطش (اجتماع) یاد کند؛ چه اسامی اشخاص باشد یا امکنه و این از روی تصادف نیست، بلکه عمدی است پس در این صورت ناچار حضرت خودش هنگام پیوست و انضمام آیات به قرآن، اقدام به محو و پاک کردن اسامی کرده است. (!!) در قرآن ۵ تا از اسامی امکنه آمده اسم «مکه» دوبار در سوره فتح، «بدر» در سوره آل عمران / ۱۲۳، «حنین» توبه / ۲۵، «یثرب»، احزاب / ۱۳ اما از اسامی معاصرین به استثنای

خود حضرت (در سوره آل عمران / ۱۴۴، احزاب / ۴۰، محمد / ۲، فتح / ۲۹، صف / ۶) فقط دو اسم آمده یکی زید آزاد شده و پسر خوانده ایشان (احزاب / ۳۷) و دیگر عموی ایشان ابی لهب است (سوره مسد) و دیگر از هیچ یک از یاران وفادار و اصلی حضرت هرگز ذکر نشده اند و برای این مسأله اسباب متعددی است یا حضرت در نص، اجزای زیادی از قرآن را ترک کرده! یا به طور غیر محدودی از شذوذ خلاف قاعده دفاع کرده است و یا علت آن درز کردن حاشیه های تفسیری قدیمی به نص اصیل است و ما ناچار از جستجوی یک یک این احتمالات هستیم (تاریخ قرآن نولدکه، ۲ / ۳۱۷)

نولدکه در ادامه، مطالب دیگری را درباره این قضیه و ذکر نام زید و ابی لهب ذکر می کند.

نولدکه از قول وایل اتهام حذف تعمدی اجزای بزرگی از قرآن را می آورد و این چنین احتجاج می کند که عثمان هنگام جمع قرآن کتب متعدد را به کتابی واحد تبدیل کرد (همان، ۳۱۹)، (یعنی بسیاری از مطالب را حذف کرد تا یک کتاب شد.)

نولدکه در دایرة المعارف اسلام، ذیل ماده «قرآن» می گوید: یکی از مسائلی که در آن تردید راه ندارد، آن است که قسمت هایی از قرآن از بین رفته است. در دایرة المعارف بریتانیا نیز می گوید: اجزای قرآن کافی نیست (المستشرقون والدراسات القرآنیة، ۳۶).

نولدکه نیز روایتی نقل می کند که بر حسب آن صحابی کهن سال حضرت (انس بن مالک) در سوره مزمل آیه ۶، واژه «اقوم» را «اصوب» هم می خواند و از طبری دو روایت منتسب به حضرت نقل می کند که هر قرائتی خوب است؛ مشروط به این که به جای یک واژه، واژه متضاد (یا مخالف) آن را قرار ندهند. (مادام که رحمتی را به عذاب و به عکس تبدیل نکنند) و خود ادامه می دهد که مسلم است در این جا هنوز سنت می کوشد به کمک حکمی که از حضرت اخذ شده، به یک رشته کارهایی که بعدها انجام گرفت، جنبه قانونی بدهد. اگر این نظریه انس را می داشتیم، می توانستیم ظهور آن را در عصر خودمان نیز تثبیت کنیم. (تاریخ قرآن نولدکه، ۲ / ۳۲۴).

نولدکه به نقل از گلذیبه آورده است: بر اساس اطلاعات بدست آمده در کتاب قرآن در قرن چهارم هجری، تحریف در مورد پانصد موضع قرآنی افزایش یافته بود؛ اما خود نولدکه می نویسد: «تعداد مواضعی که برای ما امکان شناخت آن وجود دارد؛ نزدیک به این عدد نیست»؛ اما وی با استفاده از مثال های جداگانه به انواع مختلف آن اشاره می کند (تاریخ قرآن نولدکه، ۲ / ۳۲۴).

اتهام تحریف به شیعه

نولدکه می گوید:

از این جمله اند تغییراتی که مربوط به حذف اسم [حضرت] علی در بعضی از آیات قرآن که به تفوق این شخصیت و فرزندانش در جامعه مربوط می شود. برای اینکه مثالی ذکر کرده باشیم، اضافه می کنیم عبارت خیلی متداول (هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ این است راه راست) در اصل وحی چنین بوده است: «هَذَا صِرَاطٌ عَلِيٌّ مُسْتَقِيمٌ» (این راه علی راه راست است) (تاریخ قرآن نولدکه، ۲ / ۳۲۵)

نولدکه می نویسد: به عقیده شیعه به تحقیق حذف شده آیاتی که در آنها انصار و مهاجران به تصرفاتی که به آن اقدام کرده بودند ملامت می شدند، اما گناه آنان این بود که آنها یاری نکردند هنگام انتخاب اولین خلیفه، [حضرت] علی را و [حضرت] نبی اکرم از روی اخلاص ناچار به توییح بیشتر یارانش بود، به سبب آنچه بعد از وفاتش حاصل نمی شد.

سپس نولدکه از شیعه انتقاد می کند. آن هم به علت عقیده ای که قسمت عمده آن را خود او و برخی دیگر از مستشرقان به شیعه نسبت می دهند. او می نویسد:

اگر خلیفه بودن [حضرت] علی یک بار در قرآن ذکر شده بود، در آن صورت آن ملزم کننده ارجحی بود برای هیات انتخابیه. پس چگونه ممکن است خلافت ایشان در کتاب مقدس یا روایت نبی [اکرم] ذکر شده باشد و یکی از اعضای هیات انتخابیه [تعیین سومین خلیفه در

مطرح کردن آن و انتخاب حضرت بر اساس آن [تحریک نشود... رأی قائل شدن به حق حصری [حضرت] علی در وراثت خلافت نه در اسلام سندی دارد و نه در عادت قوم بوده است. این ایجاد نشد؛ مگر بعد از گذشت مدت زیادی از رحلت [حضرت] علی و حتی در ایران فرقه علی الهی ایجاد شد. (همان، ۳۲۳ و ۳۲۴).

۳. رژی بلاشر

ادعای حذف

بلاشر (در آستانه قرآن (Blachere, Introduction au coran) برای حذف، آیات موسوم به رجم و رغبت — به عقیده اهل سنت منسوخ التلاوة — را مثال می‌زند و می‌نویسد:

آیه موسوم به رجم نمونه خوبی از این لحاظ است. مصحف چنین مجازاتی را به عنوان مکافات زانی پیش بینی نمی‌کند، معذالک بنا بر روایتی که به شخص عمر می‌رسد او تأیید می‌کند که در حیات پیغمبر آیتی قرآنی بدین ترتیب بوده است «لاترغبوا عن ابائکم فانه کفر بکم ان ترغبوا عن ابائکم»؛ «از پدرانتان روی نگردانید زیرا اعراض از پدران همسان کفر است». نیز «اذا زنی الشیخ و الشیخه فارجموهما البته نکالا من الله و الله عزیز حکیم»؛ «اگر پیرمرد و یا پیرزنی زنا کنند البته آنها را سنگسار کنید، این عقوبتی است از سوی پروردگار و خداوند عزیز و حکیم است». به آسانی می‌توان مخصصه‌ای را حدس زد که مفسران و فقهاء با ملاحظه اختلاف میان متن روایی و تجویز ضمنی قرآن با آن درگیر بوده‌اند. آیا ما در اینجا مواجه با تخفیفی در مجازاتی خشن هستیم؟ و یا برعکس مسأله بر سر این است که مجازات زانی را که در قرآن نیامده، تشدید نمایند؟ و ما هرگز نخواهیم دانست [که البته جواب این شبهه او در روایات و منابع اسلامی به طور واضح موجود است و این تجاهر او یا ناشی از ناآگاهی وی و یا قصد سوء اوست] آنچه در هر حال مطمئن به نظر می‌رسد این است که این واقعیت (رجم) چندین بار اتفاق افتاده بدون اینکه ما بر آن وقوفی بیابیم (در آستانه قرآن، ۲۱۵ و ۲۱۶)

از دیگر موارد، داستانی است که نولدکه و بلاشر (نولدکه ۱ / ۴۵ به نقل از الناسخ والمنسوخ هبه... بن سلامه. و اسباب النزول واحدی؛ بلاشر، در آستانه قرآن ص ۳۱ و ۳۲) آن را آورده‌اند؛

روزی [حضرت] رسول از مجلس وعظی می‌گذشت و شنید که واعظ قسمتی از قرآن را از حفظ می‌خواند. حضرت که دچار هیجان شدید شده بود! دریافت که این قسمت را فراموش کرده بود و فقط این تصادف به او امکان بازیابی آن را داد.

این موضوع که ارزش تاریخی آن قابل بحث است! به وسیله آیه ۱۰۶ سوره بقره تأیید شده است! **مَا نَسَخْ مِنْ آيَةٍ..** یعنی «هر چه از آیات قرآن را که نسخ کنیم و یا فراموش گردانیم، بهتر از آن یا مانند آنرا بیاوریم». بدون شک عبارت «فراموش گردانیم» ممکن است به معنی مبهم آن گرفته شود، یعنی متروک سازیم، ولی همه مفسرین آن را به معنی اصلیش می‌گیرند، یعنی از خاطره‌ها محو ساختن. پس بدین ترتیب حتی پس از ورود حضرت به مدینه (که آیه فوق مربوط به این دوران است) آیاتی منحصرأ از طریق ازبرخوانی و شفاهی نقل می‌شده و حضرت می‌توانسته آنها را با امحاء از حافظه مؤمنان منسوخ سازد! بدیهی است که چنین وضعی می‌توانسته تا پایان دوران رسالت ادامه یابد.

بلاشر روایتی را از ابن مسعود آورده است که او می‌گفت در زمان حیات حضرت رسول سوره‌ای را می‌خواندیم که معادل توبه بود و من فقط یک آیه آن را حفظ دارم. و بالاخره تعداد زیادی روایات اهل تسنن تأکید می‌کند که سوره احزاب ابتدا دویست آیه بود، نه هفتاد و شش آیه. (در آستانه قرآن، پاورقی ص ۳۱ و ۳۲)

از دیگر موارد ادعای حذف، سخن بلاشر مبنی بر ثبت نشدن آیات مکی در قرآن است، بنابراین که جمع و ثبت آیات در مدینه آغاز شد؛ مشابه همان ادعایی که نولدکه مطرح می‌سازد که حضرت از آغازین آیه‌های وحی شده در غار حراء، تا مدت زیادی در صدد ثبت آنها نبود و بعد با دیدن کتب مقدس یهود و نصاری در مدینه به فکر ثبت و ضبط آن افتاد. (الظاهره الاستشراقیه، ۱ / ۳۷۵؛ مستشرقان و قرآن، ۲۶۸). این در حالی است که می‌دانیم تقریباً ۲/۳ کل آیات قرآن آیات مکی است.

ادعای اضافه شدن

مثالی که کمتر می‌توان درباره‌اش بحث کرد، سوره ۷۰ (معارج) آیه ۴ می‌باشد که بدون قافیه و وزن هماهنگ و فقط به عنوان مفسر مفهوم و محتوای پیش از خود نمودار می‌شود. (نیز این معنا را وایل، نولدکه و کازانووا آورده‌اند) به علاوه، کازانووا می‌گوید: از همه این واردات (مواد اضافه شده) شدیدتر آنهایی است که دارای تمایلات عقیدتی، سیاسی می‌باشند؛ بویژه این متن (وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ) را آیه وارد شده، به منظور تأیید ارتقاء عثمان به مقام خلافت به زبان (حضرت) علی، می‌داند (در آستانه قرآن، ۲۱۹)

بلاشر می‌نویسد:

روایات اسلامی پذیرفته‌اند که برخی از شخصیت‌ها مانند ابن عباس یا ابن زبیر موقع از حفظ خواندن قرآن برای بعضی از کلمات نادر و عبارات مبهم که در وحی‌ها آمده، عباراتی کوتاه اضافه کرده‌اند. انسان حق دارد از خود بپرسد که آیا در بعضی از مواقع این توضیحات شفاهی همچون قسمتی از متن به نظر نمی‌رسیده‌اند (همان).

قرائت به معنا

بلاشر می‌نویسد:

شاید در همین ایام ۳۵ تا ۶۵ هجری بود که نظریه‌ای بوجود می‌آید که نشان می‌دهد تا چه اندازه‌ای اقدام عثمان ضروری بوده است. برای پاره‌ای از مؤمنان بواقع این کلمات (کلام) قرآن نبوده که اهمیت داشته! بلکه مهم توجه به روح آن و معنای آن بود. از آن موقع به بعد از کلماتی که تنها مترادف بودند و اختلاف دیگری نداشتند و انتخاب آنها یکسان و مساوی می‌نمود به جای هم استفاده می‌شد. او روایتی را که عمر به حضرت رسول منتسب کرده و ناظر به قرائت به معنی است را از زمینه‌های بروز اختلاف قرائت می‌داند (در آستانه قرآن بلاشر، ۸۶ و ۸۷).

بلاشر می‌نویسد:

(پس از تدوین مصحف عثمان) دسته‌های مخالف، اختلافات میان مصحف عثمانی و سایر مصاحف را به عنوان سلاح قرار داده و هر قدر اختلافات مذهبی زیادتر شد، مجادلات بر مصحف عثمان نیز تغییر ماهیت پیدا کرد و بالاخره تحریف رایج شد و هر فرقه‌ای آن را با دلیل مناسبی مورد پشتیبانی قرار داد. در میان متکلمان معتزلی برخی که به مفهوم یک خدای عادل و مهربان وفادار بودند، از قبول اینکه نفرین‌ها و سرزنش‌های قرآن را علیه دشمنان شخصی (!) پیامبر، وحی بدانند استنکاف ورزیدند، زیرا نفرین‌ها را با عظمت وحی سازگار نمی‌دیدند. این انتقادات موجب می‌شود که ما استنتاج کنیم اینها اضافه شده‌هایی بشری در متن الهی محض هستند. از طرف دیگر فرقه‌ای از ملحدان خارجی (معتزلی‌های خوارج) یعنی عبادره انکار می‌کردند که سوره یوسف [متعلق به قرآن باشد، برای اینکه آن سوره داستان ساده‌ای بیش نیست و قابل قبول نیست که داستانی عشقی جزء قرآن باشد (در آستانه قرآن بلاشر، ۲۰۸)؛

فرقه خارجی دیگر یعنی اباضیه، عثمان را متهم می‌کردند که آیات قرآن را به منظورهایی که خوب تعیین نشده است، تغییر داده است (در آستانه قرآن بلاشر، ۲۰۸ و ۲۰۹). وی سپس ادامه می‌دهد: همان طور که شوالی یادآور شده، این ادعاهای تحریف هیچ اساس تاریخی ندارد؛ بلکه تنها زائیده نظریات عقیدتی است.

جابه‌جایی، تبدیل و تکرار

یکی دیگر از موارد مورد ادعای مستشرقان، ادعای سلیقه‌ای آنها مبنی بر جابه‌جایی و تکرار برخی آیات است که هیچ پایه و اساسی جز حدس و گمان ندارد. بلاشر می‌نویسد:

گاهی اوقات این تکرارها خیلی متعدد و غالب اوقات جابه‌جایی در همان سوره بود؛ مثلاً به عقیده ریچاردیل در ترجمه‌اش در سوره یس، آیه‌های ۴۸ - ۵۰ بایست بلافاصله پس از آیه ۲۸ باشد.

۴. وایل

ادعای اضافه شدن

وایل براساس رأی اسپرنگر در مورد اسامی علم و تکامل آن، نظریاتی را مطرح می‌سازد و هرشفلد نیز آن را رد نمی‌کند. اسم محمد در تمام آیات بعداً گذاشته شده است، از جمله آیه ۱۴۴ آل عمران که نولدکه هم به آن تمسک می‌جوید؛ به استناد قول عمر بعد از رحلت حضرت رسول وی ابتدا رحلت حضرت را انکار کرد تا اینکه ابوبکر این آیه را خواند و عمر گفت: گویا تا به حال این آیه را نشنیده‌ام! وایل می‌گوید این آیه بعداً به قرآن اضافه شد. نیز کازانوف در کتاب «محمد و پایان جهان» می‌نویسد: دو آیه در قرآن هست که انتساب آنها به وحی الهی مشکوک است و به نظر می‌رسد ابوبکر آنها را اضافه کرده است؛ یکی آل عمران ۱۴۴ و دیگر زمر ۳۰ و ۳۱. ظاهراً تنها زمینه و دلیل این نظریه آن است که ابوبکر پس از رحلت رسول اکرم در جواب به تردید و انکار رحلت حضرت به وسیله عمر، به این آیه استناد کرد.

وایل درستی آیه اول سوره اسراء را انکار می‌کند. طبق نظر او این آیه بعد از رحلت رسول اکرم وضع و در زمان ابوبکر به قرآن ضمیمه شد، زیرا غیرممکن است حضرت برده شدن عجیب خود به بیت المقدس را ادعا کند! در حالی که او پیوسته محکم کاری می‌کرد و در قرآن آیاتی وجود دارد مبنی بر اینکه ایشان منذر و حسابگر و مرتکب عجایب نبوده، مثل رعد / ۷ و ۸. نولدکه نیز این قول را می‌پذیرد و می‌گوید کافی است نگاهی به آیات رعد / ۷، ۸، و ۲۷، اسراء / ۹۳ و ۹۵، فرقان / ۷ و ۸ و عنکبوت / ۴۴ و ۴۵ بیندازیم تا این امر را تأیید کنیم (همان، ۳۱۵).

۵. ادعای تحریف در دائره المعارف لایدن

از میان مدخل‌هایی که موضوع تحریف قرآن را مطرح نموده‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. مدخل «حدیث و قرآن». (Hadith And The Quran) «نویسنده: «جوین بل (G.H.A.Guynboll)»، جلد دوم، صفحه ۳۷۶ - ۳۹۶.

۲. مدخل «تحریف (Forgery)» «نویسنده: «جوردن دارنل نیوبای (Gordan Darnell Newby)»، جلد دوم صفحه ۲۴۲ - ۲۴۴.

۳. مدخل «جمع قرآن (Collection Of The Quran)» «که با بحث تحریف بی‌ارتباط نیست. نویسنده: «جان برتون (John Burton)»، جلد اول، صفحه ۳۵۱ - ۳۶۱.

۴. مدخل «تغییر و تحریف (Revision And Alteration)» نویسنده: «شری لوبین (Shari Lowin)»، جلد چهارم، صفحه ۴۴۸ - ۴۵۱.

مسائل مختلفی که نویسندگان دائرة المعارف، آنها را دست‌آویز اثبات تحریف قرآن قرار داده‌اند، عبارتند از:

۱. حذف سوره‌های «خلع» و «حقد» از مصحف کنونی.

۲. حذف آیه رجم از مصحف فعلی.

۳. حذف آیاتی از سوره‌های احزاب و نور.

۴. گم شدن بخش‌هایی از قرآن در جنگ یمامه.

۱. حذف سوره‌های خلع و حقد از مصحف کنونی

«جوردن دارنل نیوبای» در مقاله تحریف می‌نویسد:

«بازنویسی کتاب مقدس اعم از قرآن یا کتب یهود و نصاری تحت دو عنوان «تحریف» و «تبدیل» مطرح شده است و بیانگر اتهامی است در مورد یهودیان و مسیحیان که کتب آسمانی قبل از قرآن را تغییر دادند. در امت اسلام نیز گروه‌های گوناگونی متهم شده‌اند، به این که می‌گویند قرآن دچار افزوده‌ها یا کاهش‌هایی گردیده است! سنی‌ها و شیعیان هر یک دیگری را به نوعی به تحریف متهم کرده‌اند؛ یعنی اعتقاد به جای‌گزینی (تبدیل) یا حذف قسمت‌هایی از قرآن و یا اشتغال بر دو سوره کامل که در مصحف ابی بن کعب وجود داشته است»
«Gordan Darnell Newby, "Forgery", Encyclopaedia Of Quran, v۲, p. ۲۴۳».

«جوین بل»، که بیشتر تحقیقاتش در زمینه حدیث شناسی است؛ نیز مقاله‌ای را با عنوان «قرآن و حدیث» در دایرة المعارف قرآن لاییدن نگاشته است. وی در این مقاله نظریه‌ای را بیان نموده است که اعتقاد وی به تحریف قرآن را می‌رساند. وی که در حقیقت معتقد به تحریف به کاستی در قرآن است، سوره‌های خلع و حقد را که در مصحف ابی بن کعب بوده، حذف شده از مصحف فعلی می‌داند.
(G.H.A.Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopaedia Of Quran.V.۲.P. ۳۷۶ - ۳۹۶).

سوره خلع: بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انا نستعینک ونستغفرک ونثنی علیک ولا نکفرک ونخلع ونترک من یفجرک». «پروردگارا! از تو یاری می‌طلبیم و از تو آمرزش می‌طلبیم. بر تو ثنا می‌خوانیم و بر تو کفر نمی‌ورزیم و آنها را که به تو گناه ورزند ترک کنیم و از خود دور سازیم».

سوره حقد: «بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ایاک نعبد و لک نصلى و نسجد و الیک نسعی و نحفد نرجو رحمتک و نخشی عذابک ان عذابک بالكفار ملحق» «پروردگارا! تنها تو را می‌پرستیم و بر تو نماز می‌خوانیم و سجده می‌بریم و به سوی تو گام بر می‌داریم و می‌شتابیم به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو ترسانیم، همانا که عذاب تو به کافران ملحق است».

۲. حذف آیه رجم از مصحف فعلی

جوین بل در مقاله «حدیث و قرآن» در جلد دوم دایرة المعارف لاییدن به حذف آیه رجم از مصحف فعلی معتقد است و می‌نویسد:

«سیوطی تعدادی از آیات گوناگون از جمله آیه رجم (الشیخ و الشیخه اذا زنيا فارجموها البته نکالاً من الله و الله عزیز حکیم) را بر می‌شمرد که طبق گفته چند تن از صحابه، به حضرت محمد وحی شده بود؛ اما هرگز آنها را در قرآن نیافتند».

«شری لوبین» نیز در مقاله «تغییر و تحریف» به این مطلب اشاره و بیان کرده است که طبق برخی احادیث موجود ذیل آیه؛ این آیه از قرآن فعلی حذف شده است.

۳. حذف آیاتی از سوره‌های احزاب، توبه و نور

به نظر «جوین بل» علاوه بر آیه رجم، آیاتی از سوره احزاب نیز از قرآن فعلی حذف شده است. او می‌نویسد: شیعیان می‌گویند سوره احزاب در اصل، حتی طولانی‌تر از سوره بقره بوده؛ ولی در معرض تغییراتی قرار گرفته است (G.H.A. Guynboll, "Hadith And The Quran", Encyclopadia Of Quran. V.۲.P. ۳۷۶ - ۳۹۶).

«جان برتون» نیز در مقاله «جمع قرآن» در دایرة المعارف قرآن با «جوین بل» هم عقیده می‌شود و می‌نویسد:

«ابی بن کعب گزارش می‌دهد سوره‌ی احزاب در ابتدا به اندازه‌ی سوره بقره بوده است، ابوموسی اشعری نقل نموده که سوره احزاب زمانی به اندازه سوره توبه بوده، اما من آن را به جز یک آیه فراموش کردم. حذیفه اعلام کرد و شما امروز از سوره توبه به جز یک ربع آن تلاوت نمی‌کنید. در حالی که عایشه اظهار داشت که سوره احزاب زمانی شامل دویست آیه بوده است. سوره احزاب در مصحف هم اکنون مشتمل بر هفتاد و سه آیه است. چنین گزارش‌هایی بسیاری از افراد را متقاعد نمود که آن آیات و احکام هر دو به فراموشی سپرده شده‌اند. هر دو نوع حذف (مجموعی و جزئی) گفته شده که بیانگر مفاد مذکور در آیه ۱۰۶ سوره بقره هستند که عبارت از «نسخ» یا موجب فراموشی می‌باشد (مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا) و سپس با آیه‌ای بهتر یا مشابه آن جایگزین شده است.»

۴. گم شدن بخش‌هایی از قرآن در جنگ یمامه

«جان برتون» مؤلف مدخل «جمع قرآن» در مورد حذف قسمت‌هایی از قرآن فعلی می‌نویسد:

«پس از رحلت پیامبر، جنگ‌های داخلی رخ داد و زهری گزارش می‌دهد که افرادی از حافظان قرآن کشته شدند و بسیاری از آیاتی که آن‌ها حفظ داشتند، به صورت مکتوب در نیامده بود و جانشینان پیامبر هم هنوز متن قرآن را جمع‌آوری نکرده بودند؛ در نتیجه، آن گونه آیات به طور کلی مفقود شد و این واقعه مسلمانان را برانگیخت تا در زمان ابوبکر به این مهم همت گماردند؛ بنابراین، قرآن را روی صحیفه‌ها یا اوراقی گرد آوردند از ترس آن که مبدا دیگر حافظانی که بیشتر قرآن را در ذهن داشتند آن را با خود به گور ببرند...» (JOHN BURTON, IBID, P ۳۵۱ - ۳۶۱) منظور «برتن» از جنگ داخلی، نبرد یمامه است طبق در برخی روایات اهل سنت بسیاری از حافظان قرآن در آن جنگ به شهادت رسیده‌اند.

۶. طرفداران عدم تحریف

برخی دیگر از مستشرقان به تحریف نشدن قرآن اعتراف کرده‌اند، مانند **روی پارت** مستشرق آلمانی که در مقدمه بر ترجمه آلمانی‌اش از قرآن می‌نویسد: نزد ما هیچ دلیلی وجود ندارد که ما را بر آن دارد معتقد شویم حتی یک آیه کامل در این قرآن باشد که از سوی (قرآن و مستشرقان، ۴۷۲) [حضرت] محمد وارد نشده باشد (و از سوی دیگران اضافه شده باشد).

موریس بوکای در کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم (ترجمه حسن حبیبی و همچنین ترجمه ذبیح الله دبیر) آورده است: تفاوت اصلی اسلام و مسیحیت این است که مسیحیت فاقد یک متن وحی تثبیت شده هم زمان است. در صورتی که اسلام دارای چنین

متنی است. وحی مسیحی تنها مبتنی بر شهادت‌های متعدد و غیرمستقیم می‌باشد، چون هیچ‌گونه شهادتی که از یک شاهد عینی زندگی عیسی رسیده باشد ندارند. ناگزیر ما نمی‌توانیم انگیزه‌های مثبت یا صرفاً عنوان تحقیق علمی برای این اتهامات در نظر بگیریم.

وی در فصل پنجم کتاب خود فقط به بیان تضادها و مطالب به دور از حقیقت در حکایات اناجیل می‌پردازد و در صفحه ۱۵۴ کتاب خود می‌نویسد: قضاوت‌های کاملاً غلطی که راجع به اسلام در غرب ابراز می‌شود، گاهی نتیجه نادانی و گاهی نتیجه تعمد در بی‌اعتبار کردن و تخفیف (سبک کردن) است (مقایسه ای بین تورات، انجیل، قرآن و علم، مورس بوکای، ۱۴۹ - ۱۵۵).

منابع و مأخذ

۱. بلاشر، در آستانه قرآن، دکتر رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش، چ دوم.
۲. بوکای، مورس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش، چ سوم.
۳. جعفریان، رسول، افسانه تحریف قرآن، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، نزهت قرآن از تحریف، علی نصیری، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۵. حسن زاده آملی، قرآن هرگز تحریف نشده، انتشارات قیام، قم، ۱۳۷۶ ش.
۶. حسینی طباطبائی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، انتشارات چاپخش، تهران، ۱۳۷۵.
۷. خویی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة ۱۳۹۴ ق.
۸. زمانی، محمد حسن، قرآن و مستشرقان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۹. صالح، صبحی، پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، مجتهد شبستری، انتشارات نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ ج.
۱۱. علی الصغیر، محمد حسین، المستشرقون والدراسات القرآنیة، دارالمورخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ه ق.
۱۲. گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، دکتر عبدالحکیم البخار، مکتبه الخانجی لمصر، ۱۹۹۵ م.
۱۳. محمدی، (نجار زادگان)، فتح الله، سلامه القرآن من التحریف، انتشارات پیام آزادی، قم، ۱۴۲۰ ه ق.
۱۴. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲ ش، چ ۵.
۱۵. همو، تحریف ناپذیری قرآن، علی نصیری، مؤسسه التمهید، قم - ۱۳۷۹ ش.
۱۶. همو، صیانه القرآن من التحریف، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ ه ق.
۱۷. نولدکه، تاریخ قرآن، انتشارات دار النشر جورج المز، ۲۰۰۰ م.